

بچه‌های پر حرف در آینده موفق ترند



تحقیقات نشان داده بچه‌های پر حرف در دوره پیش دبستانی عملکرد بهتری نسبت به سایرین دارند و این امتیاز تا دوره ابتدایی، متوسطه، دانشگاه و مخصوصاً به محل کار هم کشیده می‌شود. حالا ببینید چرا احتمال موفقیت این بچه‌ها در بزرگسالی بیشتر است.

مهارت‌های کلیدی بهتری دارند

بدیهی‌ترین امتیازی که بچه‌های پر حرف دارند این است که طبیعتاً در حرف زدن ماهرترند. بچه‌های پر حرف هر زمانی که صحبت کنند، به دنبال این هستند که چطور ارتباط قوی برقرار کنند، و داشتن مهارت‌های ارتباطی، موفق شدن را تقریباً در هر زمینه‌ای از زندگی آسان تر می‌نماید.

درک و سرعت انتقال فوری دارند

کسی که وقت زیادی را صرف حرف زدن می‌کند، واضح

مهارت‌های اجتماعی بهتری دارند

بچه‌های پر حرف گرایش به تعامل و ارتباط بیشتری دارند و زودتر رابطه دوستی برقرار می‌کنند. داشتن یک گروه اجتماعی قوی، یکی از چیزهایی است که برای رشد کردن از هر چیزی بیشتر به آن نیاز دارید، و پر حرف‌ها به راحتی از این امکان برخوردارند. این بچه‌ها رابطه بهتر و قوی‌تری هم با خواهر و برادرهای دارند. مخصوصاً دخترها از داشتن چنین برادری که بتوانند با او درد و دل کرده و به او اعتماد کنند بهره می‌برند.

مشارکت بیشتری دارند

بچه‌های پر حرف نمی‌توانند مدت طولانی ساکت بمانند. بلکه قطعاً این مسئله می‌تواند تبدیل به یک مشکل شود، اما اگر بتوانند یاد بگیرند که چه زمانی برای حرف زدن

است که می‌تواند بلافاصله هم فکر کند. به همین دلیل، بچه‌های پر حرف نسبت به بیشتر همسالان شان سرعت انتقال بیشتری داشته و درک بهتری هم دارند، سریع تر مطالب طنز به ذهن شان خطور کرده و تعریف می‌کنند و دوستان شان را سرگرم می‌نمایند. این یک امتیاز است، چون شوخ طبعی یکی از کلیدهای موفقیت است.

به جواب می‌رسند

بچه‌های پر حرف تمایل به پر حرفی دارند چون کنجکاو هستند، و می‌خواهند در مورد دنیایی که در آن زندگی می‌کنند بیشتر و بیشتر بدانند. وقتی شما سوال می‌پرسید، طبیعتاً جواب‌های بیشتری خواهید گرفت. یعنی بچه‌های پر حرف زمان شروع مدرسه، نسبت به بچه‌های معمولی اطلاعات و دانش بیشتری دارند.

مناسب است و چه زمانی نه، نتایج فوق العاده‌ای خواهند گرفت. مثلاً در کلاس درس، این مهارت می‌تواند به صورت داوطلب شدن و دست بلند کردن و شرکت در بحث‌ها و گفتگوها بروز کند. معمولاً معلم‌ها برای پیشبرد یک بحث به ترغیب‌ها و تکنیک‌هایی نیاز دارند، اما اگر یک یا دو بچه پر حرف در کلاس داشته باشند کارشان بسیار راحت تر خواهد بود.

چیزهای بیشتری برای گفتن دارند

بیشتر بچه‌ها نمی‌توانند پنج دقیقه یکسره حرف بزنند. اما بچه‌های پر حرف می‌توانند ساعت‌ها حرف بزنند که نشان می‌دهد پراز ایده و تفکر هستند. این پُراندیشه بودن و حس تخلیل به وقت نیاز نتیجه بسیار مطلوبی برایشان به بار خواهد آورد، مثلاً وقتی به عنوان یک مدیرعامل قرار است یک استراتژی ارائه دهند یا گزارشی بنویسند.

انرژی فراوانی دارند

بچه‌های پر حرف بسیار پرنرژی هستند. فکر کنید اگر بتوانند از این انرژی به خوبی بهره ببرند چه کارها که نمی‌توانند بکنند. اگر فرزند شما هیچ وقت ساکت نمی‌ماند و برای شما یک معضل شده، به او کمک کنید سرگرمی‌هایی پیدا کند که بتواند انرژی اش را به سمت و سویی خلاقانه سوق دهد.

زندگی را جالب تر می‌کنند

والدین بچه‌های پر حرف معتقدند که این بچه‌ها جالب و جذاب هستند و اغلب سرگرم شان می‌کنند. البته در نظر والدین همیشه هم به این سادگی نیست، اما دست کم بچه‌هایشان هرگز نمی‌گذرانند چیزی کسل کننده باشد. در دنیایی که حتی پدر و مادر بودن هم می‌تواند گاهی ملال‌انگیز و خسته کننده باشد، خوب است که چیزی در زندگی وجود داشته باشد که همیشه غافلگیر و متعجب‌تان کند.

در آینده پدر و مادر بهتری خواهند بود

پژوهشگران طی مطالعاتی نشان دادند پدر و مادرها هر چه بیشتر با بچه‌های شان صحبت کنند، مهارت‌های بیانی و سوادآموزی شان نیز بهتر خواهد شد. بنابراین حتی اگر بابت داشتن فرزند پر حرف تان در فشار و تنش هستید، به خودتان یادآوری کنید که گرایش آنها به زیاد حرف زدن چه پیامدهای خوبی در زندگی شان و همچنین در زندگی نوه‌های شما خواهد داشت.

آشنایی با قرآن



متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره ضحی

کسی به حلیمه بچه‌ای نداد و او وقتی چشمش به حضرت افتاد مثل اینکه جاذبه حضرت او را کشید، حضرت را گرفت. داستانش خیلی مفصل است. حضرت چهار سال در بادیه بود. از شیر این زن خورد و بعد هم که دوره شیرخواری تمام شد در همان بادیه با بچه‌های او بازی می‌کرد.

حلیمه جریان‌های عجیب زیادی از کودکی حضرت نقل می‌کند. مثلاً می‌گوید: او همیشه از پستان راست من شیر می‌خورد و از پستان چپ هیچ وقت شیر نخورد و آن را برای بچه خود من گذاشته بود.

اصلاً اگر هم گرسنه بود، وقتی از پستان چپ می‌دامد نمی‌خورد. یا می‌گوید: گاهی که در خیمه بود و ناراحت بود و گریه می‌کرد، تا او را بیرون می‌بردم و چشمش به آسمان می‌افتاد آرام می‌گرفت. من تعجب می‌کردم که این چه جور بچه‌ای است که این طور است!

بعد کم کم حلیمه در این بچه آثار و علائمی دید که خودش وحشت کرد و گفت معلوم است که این بچه یک بچه فوق العاده است، باید هرچه زودتر او را به پدر بزرگش تحویل دهم تا یک وقت در این بیابان آسیب نبیند.

عبدالمطلب هم که پدر بزرگ حضرت است احساس می‌کرد که این نوه‌اش با همه فرزندانش فرق دارد و اساساً این نوه کوچک را بر همه پسرهای بزرگش که خیلی از آنها از پدر حضرت بزرگسال‌تر بودند، مقدم می‌داشت.

عبدالمطلب شیخ اباطح و رئیس علی‌الاطلاق مکه بود و خیلی محتشم بود. وقتی برایش سواحه می‌انداختند و در سایه کبیه می‌نشست، به خاطر حشمت او هیچ کس دیگری نمی‌آمد روی آن بنشیند؛ فقط این بچه بود که عبدالمطلب او را می‌آورد و پهلوی خودش می‌نشاند.

وقتی هم که می‌خواست بمیرد تنها نگرانی‌اش درباره این بچه بود. پسر بزرگش ابوطالب را که خیلی مورد علاقه اش بود خواست و دست حضرت را در دست او گذاشت و گفت این بچه را به تو می‌سپارم.

تمام اینها عنایت‌های الهی بود که خدای متعال با اینکه این بچه یتیم بود این طور وسایل را برایش فراهم کرد. می‌فرمایند: دیدیم ما در گذشته چطور وسایل را برایت فراهم کردیم؟! پشت پرده ما بودیم.

و وجدک ضالاً فهدی و تو را گمشده یافت و هدایت کرد. مفسرین راجع به اینکه مقصود این آیه چیست، خیلی بحث کرده‌اند. اولاً آیا مقصود از «ضال» گمشده است یا گمراه؟

بین گمشده و گمراه چندان فرقی نیست. بلکه از یک نظر فرق هست و آن اینکه گمشده را گاهی دیگران گم کرده‌اند. ولی در مورد انسان، تا خودش راهی را گم نکند گم نمی‌شود؛ اگر انسانی گم بشود همان طور که [احیاناً] دیگران او را گم کرده‌اند او هم لابد راه را گم کرده است. اگر انسان راه را گم نکند غالباً گم شدن در آنجا معنی ندارد.

مراتب هدایت و ضلالت

ولی در اینجا اغلب اشخاص در مسئله ضلالت و هدایت به نکته‌ای توجه ندارند. آن نکته این است که تا صحبت ضلالت و هدایت مطرح می‌شود، اغلب خیال می‌کنند که ضلالت از نظر قرآن مثلاً منحصر است به بت پرستی.

می‌گویند آیا معنی آیه این است که تو یک وقتی -العیاذ بالله- بت پرست بودی و خدا تو را به توحید هدایت کرد؟ بعد می‌گویند: به شهادت تاریخ قطعاً چنین نبوده است. پس مقصود چیست؟

ضلالت و هدایت مراتب و درجاتی دارد. هدایت مراتب دارد. قرآن مسئله هدایت را حتی اختصاص به انسان نمی‌دهد. قرآن از زبان موسی و هارون نقل می‌کند که به فرعون گفتند:

ربنا الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی پروردگار ما آن است که به هر موجودی خلقت متناسب و شایسته او را داد و سپس او را در راه خودش هدایت کرد. انسان انواع هدایت‌ها و ضلالت‌ها دارد. ما فعلاً به هدایت حس و هدایت غریزه کاری نداریم.

یکی از هدایت‌ها هدایت عقل است. خدا بر هر انسانی که عقل داده، به وسیله عقل او را از ضلالت نجات داده است. بسیاری از مسائل است که حتی احتیاج به وحی ندارد، بلکه یک انسان به حکم عقل روشن و عقل فطری و خدادادی خودش آنها را می‌فهمد و اصلاً از آن جهت گمراه نمی‌شود.

مثلاً در تاریخ نوشته‌اند که چهار نفر بودند که حتی در دوره جاهلیت و قبل از اسلام هم هیچ وقت شراب نخوردند. یکی از آنها جعفر بن ابی‌طالب است.

اینها می‌گفتند: عقل انسان حکم می‌کند که این مایع مست کننده را که زایل کننده عقل است نباید خورد؛ شرافت انسان به عقل اوست، مایه انسانیت انسان عقل اوست، چرا انسان این مایه انسانیت خودش را زایل کند؟!؟

این مطلب را لازم نیست پیغمبری به انسان بگوید، بلکه عقل انسان می‌گوید یک لحظه هم نباید عقل را از دست داد.

بت پرستی هم همین طور است. عده‌ای بودند که قبل از اینکه پیغمبر اکرم به رسالت مبعوث شود به آنها «حخفاء» می‌گفتند. اینها مراسم بت پرستی را به کلی رها کرده بودند و از آن تنفر داشتند.

به اصطلاح امروز همان روشنفکری‌شان به آنها اجازه نمی‌داد که بت پرست باشند، عقلمان به آنها اجازه نمی‌داد.

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

جواب جدول شماره ۹۴/۸۰۵

جدول شماره ۹۴/۸۰۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

- ۱- از سبزی بجات معطر - بزرگترین شاعر ایرانی
 - ۲- صفحه اینترنتی - قدرت - رنج و سختی
 - ۳- خردمندان - نشانی - فتوت
 - ۴- از تقسیمات حروف الفبا - از شهدای روحانی شیعه در عربستان - در صورتی که - مات و تیره
 - ۵- درون و داخل - تفاخر - دست عرب
 - ۶- مجتمع - تنبل
 - ۷- از لبنیات - میراث خواران - برای گرفتن وام لازم است
 - ۸- بزرگترین آبزی - ناخوب - قبل از برخی افعال می‌آید - وسیله پرواز
 - ۹- افراد زیرک - خورشید کردی - از جنگ‌های صدر اسلام
 - ۱۰- مرکز اردن - نصف دولول - تعجب زنانه
 - ۱۱- صدای درد - مذکور - دست نخورده - از خودروهای آمریکایی قدیمی
 - ۱۲- روز - از سازهای کوبشی و فلزی - خانه - حیوان نجیب
 - ۱۳- نوعی ابر - نورانی - خلع شده
 - ۱۴- سرپر - شهرها - سطح
 - ۱۵- نتیجه‌ی خالی دیدن میدان از رقیبان - زادگاه رئیسعلی دلواری
- عمودی:**
- ۱- نوعی معامله شرعی - از پهلوانان خوش نام ایرانی
 - ۲- دروازه دهان - از سلاح‌های قدیمی - در رگ‌ها جریان دارد
 - ۳- تریس مبالغه آمیز - بلندترین شب سال - از جنگ‌های صدر اسلام

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود. اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

جواب جدول شماره ۹۴/۲۷۸

7	5	4	1	6	9	2	3	8
8	1	6	3	7	2	4	9	5
9	2	3	8	5	4	1	7	6
1	9	8	6	4	7	3	5	2
4	3	5	9	2	1	8	6	7
2	6	7	5	8	3	9	1	4
3	7	2	4	9	6	5	8	1
6	8	1	2	3	5	7	4	9
5	4	9	7	1	8	6	2	3

جدول شماره ۹۴/۲۷۹

3	4	2	6	1	5			
	1		5					2
				1				
	3	9	6		4			1
4	8		3		7		6	5
7		5			1	8		2
				5				
8					2			4
	2	7	4		8	3		9

سودوکو